

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَرْوِيهِ يَرْوِيهِ يَرْوِيهِ

سنة النشر ١٢٨٠ هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَمَّا الْمَلِكُ الْمُحْسِنُ

الْمَلِكُ الْمُحْسِنُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَمَّا الْمَلِكُ الْمُحْسِنُ

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE7121

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ
 هَدَانَا اللَّهُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ
 الْمُبْعُوثِ بِالْمُجَنَّبَاتِ وَالْكِتَابِ الْكَرِيمِ وَعَلَى آلِهِ وَآصْحَائِهِ
 خُصُوصًا عَلَى الْخُلَفَاءِ الَّذِينَ قَامُوا بِصِرَاطِ الدِّينِ الْقَوِيمِ
 اِمَّا بَعْدُ بِمُفِيدِ اشْرَاقِ تَحْقِيقِ وَالصَّافِ بِذِيهِ هُيُوعُ وَكَيْفِيَّةُ مُجْتَبِ بِبَادِ
 كَمَا إِنَّ احْقَرِ الْعِبَادِ خَادِمِ الطَّلَبِ فَيُفِيدُ عَنَّا عَمَّا غَفَرَ لَنَا وَلِوَالِدَيْهِ مَا نَزَلَهُ
 سَالِ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ كَيْفِيَّةُ
 بِجَنْشَلِ دَرَسِ وَتَدْرِيسِ بَامِرِ دِكْرِ قَبِيلِ سَجْتِ وَتَقْرِيرِ اِبْلِ مَذَاهِبِ

مخالف میل طبیعت خود داشت بلکه این روش و اطوار نزد فقیر
 مکروه و بیهودی نمود لیکن آخر الامر مردی از مردمان اهل تشیع بمیل
 علی جان که با فقیر ابطه سلام علیکم بهم میداشت و دو کاشش اثنای راه
 غریبانه فقیر و سجد و قیام شده است و اکثر اوقات اتفاق مرور آمد و رفت
 فقیر قریب دو کاشش می افتاد و روزی از روزها سوال در باب
 متعه از فقیر نمود که کجاست حضرت با این فرمود و خلیفه ثانی در عهد
 خود آنرا حرام کرد و خلاف حکم حضرت نمود چنانچه در صحیح بخاری و مسلم
 که اصح کتب است بیان اند موجود است فقیر جواب داد که جناب سالت
 صلی الله علیه و سلم او را آخر اهل و متعه را حکم حلال فرموده بود و بعد از آن
 هر دو را منسوخ ساخته حکم حرام نمود و آن کسانی که جز حکم حرمت نرسیده
 بود و خلیفه ثانی در عهد خود ایشانرا خبر داد و مطلع ساختند که از جانب خود
 حکم حرام فرمود و مطلب صحیحین اینست و آنچه که شما فهمیده اید محض غلط و
 بی اصل است چون طرف ثانی ساکت شد بعد از آن فقیر هم سوال کرد

که خلافت را شما منکر هستید و حال آنکه خلافت از آیت قرآن که در سوره
 نور موجود است ثابت است بلکه از پیشین گوئیهای قرآن و معجزات
 سید المرسلین است و آنکه منکر خلافت است منکر قرآن است و علم منکر
 قرآن ظاهر و باهر است چونکه طرف ثانی علم داشت طلب تحریر مضمون
 آیت نمود که از علماء و مجتهدین خود جوابش بسیار دقیقتر اگر چه در الوقت
 وعده تحریر نمود لیکن بعد از آن چند روز را غماض و تساهل
 ورزید باین خیال که درین زمانه تحریر و تقریر محض ناسود است
 چرا که این قصه که نه از برگان دین و پیروان راه یقین بار داشت
 تازه نموده اند مگر احدی از اهل تشیع براه صدق و صفا و ادب و دین نداده
 و از مرکب نفسانیت و ماضی شناسی و پاسداری مذہب آبا و اجداد
 فرو نیفتاد و من در چه جایم که تحصیل حاصل و دم زخم آخر کار طرف ثانی
 پیش و گیر شد میان ہم تذکره نمود و او نشان ہم در پی طلب تحریر شدند
 و بار بار تقاضای تحریر نمود حتی که بطور استهزا و خنده سلام علیکم کردند آن غافل نموند

فلا یرحمکم الحق لیأوکل علی آیت شہد حق و مزج شک و شبہا
 تسوید و تحیر نموده حواله ایشان نموده شد اینست باعث تحیر و تطیر
 و این نوشته را مدت دو سال شده است لیکن هنوز جواب
 معقول کسی نداد لهذا این رساله سہمی با ثبات اختلافت
 بالقرآن و اسکات المتکین یا لیرہان گردید پس
 التماس از ارباب بلاغت و بصارت فریقین آنکہ نظر از رسالت
 فصاحت الفاظش باز داشته اصل مدعی یعنی را ملاحظہ فرمایند چہ کہ
 یقودر تحریر عبارت فلانی چندان مهارت ندارد و اللہ اعلم صا
 أقول و کیل چہ میفرمایند علماء امامیہ و رأیت سورہ نو کہ پیشین ہا
 قرآن و معجزات و دلائل ثبوت نبوت جناب رسول مقبول صلی اللہ
 علیہ وسلم است و شان نزول آن اینست کہ فقرای مهاجرین بعد از
 ہجرت مدینہ در منازل انصار جای گرفتند و قریش با آنکہ اکثر اقبال
 عرب کہ گرد کہ و شیر بودند بہ محاربہ ایشان اتفاق نموده شبہ روز

پیغامهای شهدید آینه و سخنان فتنه انگیز میسر تاوند عموما جوین
 اکثر اوقات سلطه با خود داشتندی و روزگاری به هول و هراس
 میگذراندندی روزی بایکدیگر گفتند ایازمانی بر ماوراید که خود را
 این موطن بینیم و بغرابت خاطر بر بساط سلامت و عافیت نشینیم
 پس محی سبانه تمالی برای تسلی و تسکین ایشان این آیت بطور
 و در آنزل فرمود و سوگست رخورد که هر آینه ایشان را خلیفه
 گرداند و در زمین کنسار از عرب و عجم چنانچه ارشاد فرمود
 وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
 فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
 الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي
 وَرَبِّدُونَهُمْ بِرَحْمَتِي وَأَنَا الْغَفُورُ الْرَحِيمُ

و در زمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنرا پیش از ایشان بود و در البتة حکم از ایشان بر ایشان آن
 الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي

پس بدیدیم که برای ایشان و البتة بدل کند و باره ایشان بعد از این ایشان اینی بدست کنند و

لَا يُشْرِكُونَ فِي شَيْءٍ أَوْ مَرَكَمًا

شریک مقرر نکنند با من چیزی را و هر که ناسپاسی کند

بِعَمَلِكَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

بعد از این پس انجمنه ایشانند فاسقان

یعنی درین آیت حق سبحانه تعالی برای رسول مقبول صلی الله علیه و سلم

و احباب و چند چیز وعده فرمود و خبر داد که ایشانرا عطا خواهد کرد اول و عذر

خلافت در زمین کفار از عرب و عجم چنانچه خلیفه نمودنی اسرائیل را در ملک مصر

و شام بعد جابر و حضرت داود علیه السلام را که یاد او ذکر آنجا بکنند

خَلِيقَةً فِي الْأَرْضِ و ارد است و ثانی و عذر گین و تثبیت و قرار دادن

دین شریعت جناب رسول مقبول صلی الله علیه و سلم که مرضی و مقبول پسند

خدا است و ثالث و عذر از آن خوف از ایشان که از کفار

و اعداء دین بود ایشانرا و هم ارشاد فرمود که این همه نعمتها از جهت

صدق و خلوص عبادت ایشانست و بعد از آن خبر داد که هر کس

که کفران و ناسپاسی این نعمتها خواهند ورزید پس آن گروه از
فاسقان خواهند بود پس این آیت را مطابقت و مصداق
ضرورت است که این همه اخبار با کدام زمانه واقع شده است چرا که
حق سبحانه تعالی خلاف وعده خود هرگز نمی سازد چنانچه می فرماید
إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَاتِ پس ایفای و انجام این وعده ها
در کدام زمانه بوده است و از کدام کس ادا شده است
پس نزد اهل سنت و جماعت ایفای این وعده ها و ورود
این نعمتها در زمانه خلافت خلفاء راشدین حمیدین رضوان الله
علیهم اجمعین بوده است زیرا که همه موخود و موخود علیه فی زمانه
مجموع و منطبق شده اند و ظهور اثر وعده خلافت حق سبحانه تعالی
چنان شده که بر ایشان هیچ خوف و خطر از کسی نماند بلکه همه اعدای دین را
به تیغ کرده جمیع ملک و مال و خزانهای ایشان از روم و شام
و ایران تحت تصرف خود آوردند و این نعمتها مصداق ایفاء وعده

دیگر هم هستند چنانچه در سوره فتح ارشاد فرمود و وَعَدَ اللَّهُ مَغَانِمَ
 كَثِيرَةً تَأْخُذُ وَهُمْ أَجْرُكُمْ كَثِيرَةٌ وَرِزْقًا مَّا هَلْ
 شده است و بعد از آن کس را ایستاد و با وجود این هم آنها
 و امن و امان غافل از عبادت مجبور و خود مشغول بکسب و مال
 و متاع دنیوی نبوده اند چنانچه حق سبحانه تعالی خود خبر داد که لَعَنَ
 لَكَ كَثِيرٌ مِّنْ شَيْءٍ كَا و در سوره فتح هم فرمود و لَعَنَ كَثِيرٌ
 صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا همین طور تابست و چهار سال با بس و امان
 می گذرانید و بعد از آن اول کسانی که کفران و ناپسندی این دنیا
 کردند و فساد در امن و امان انداختند قاتلان حضرت عثمان رضی الله عنه
 بودند و مَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
 اشاره بسوی ایشان است و بعد از خلفای راشدین بهر چه زمانه
 منطبق نمی آید زیرا که از لفظ مَن كَفَرَ و از آیت وَعَدَ اللَّهُ
 مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُ وَهُمْ أَجْرُكُمْ و صاف معلوم می گردد و

که حق سبحانه تعالی وعده انگسان را کرده است که در زمانه جناب
 رسالت مآب صلی الله علیه و سلم و وقت نزول این آیت موجود
 بودند و غیر موجودین در وعده این آیت داخل نمیشوند و بالعکس
 و التقدیر اگر مراد عام باشد تا هم مطابق نمی آید زیرا که حضرت
 امام حسن رضی الله عنه بعد از شش ماه از شهادت حضرت علی
 کرم الله وجهه خلافت نموده گوشه نشینی اختیار فرمودند و حضرت
 امام حسین سید الشهدا رضی الله تعالی عنه از دست ظالمان مظلوم
 شهید شدند و حضرت زین العابدین و دیگر امامان رضوان الله
 علیهم همین که از ایشان بی غلیفه نبوده است پس نزو اهل تشیع
 اگر صدق این آیت خلافت خلفاء راشدین مهدیین ضوان الله
 علیهم همین نیست پس کدام زمانه و کدام کس صدق این آیت است
 بی شبهه و ابالی شک و اَحْبَبُ اِیَّاهُ بِالْصَّوَابِ و اگر کسی گوید
 که مراد حضرت امیر است و صیغه جمع برای تعظیم و یا حضرت امیر اولی

انجناب جواب حضرت امیر کرمه وقت نزول آیت موجود بودند
 لیکن امن کامل و عدم خوف نیز در زمان ایشان حاصل نبود همیشه
 از افواج شام خوف و بهراس لاحق عمال و لشکریان انجناب ماند
 و معتمد حضرت امیر میگردد است و لفظ جمع را بر یک کس حمل نمودن
 خلاف وضع الفاظ استعمال است و دیگر آنکه حق سبحانه تعالی
 درین آیت برای خلفاء موعودین لفظ جمع را سیندره جا آورده است
 پیچ جای لفظ مفرد تعبیر فرمود اگر این چنین استعمال الفاظ برای تعظیم بعینه
 قرینه جایز داشته شود اعتبار یکی از وضع الفاظ بر خیزد و هم بر همان
 قرآن اعتماد نماید و پیچ حکم از احکام دین و شریعت ثابت نگردد و آیه
 دیگر بعد از حضرت امیر بودند عدم تسلط ایشان در زمین و عدم
 خوف از ایشان نزد فریقین بر ظاهر است حاجت تحریر ندارد
 و جواب دیگر آنکه خلافت در آیت مذکور مثل خلافت ائم انبیا
 سابقین موعود است چنانچه ارشاد فرمود **كَمَا اسْتَفْتَكُمُ**

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَكْزَبَ اللَّهُ خُلَفَاءَ ثَلَاثَةِ مَوْعُودَةٍ قَرَارًا وَثَبُوتًا
 بَلْكَ غَضَبٌ كَمَا نَبَغْمُ اِهْلِ تَشْيِيعِهِ شَبَهَ بِمَشَبَهٍ بِمَطَابِقِ نَحْيِ افْتَدِ
 زِيرَاكَ غَضَبٌ وَخِلَافَتِ اِمَامِ سَابِقِينَ وَاقَعُ نَشُدُهُ اِهْلُ بَلْكَ اَعْلَى
 الْاِتِّصَالِ بُوْدُهُ اِهْلُ اَزِينَ مَرَادُ كَرْتَنِ تَخْلُفِ دَرِ عَسَدِ
 حَقِّ سِجَانَةِ تَعَالَى اَلْاَزْمِ اِيْدُو اَكْرُ كَسِي كُوِيْدُ كَمَا مَرَادُ مَضْرُتِ اِمَامِ
 مَهْدِي سِتْ جَوَابِشِ هِمَانِ اِهْلُ كَمَا بِالَا مَذْكُورِ شُدْ كَمَا اَنْجَنَابِ فَرُو
 وَاحِدِ اِهْلُ وَاطْلَاقِ جَمِيعِ بَرِّ وَاحِدِ جَايزِ نَيْسِتِ وَهَمِ دُرُوقِ
 نَزُولِ آيَتِ مَوْجُودِ نَبُودِ نَبِيَّتِي كَمَا هِنُوزِ دُرُوقِ اِيْشَانِ اِخْتِلَافِ اِهْلِ
 وَهَمِ نَزُولِ تَشْيِيعِ مَحْنِي نَبِيَّتِ حَقِّ سِجَانَةِ تَعَالَى خِلَافَتِ مَوْعُودِهِ عَلِيٍّ وَجِبِ
 تَشْيِيعِ بَا مِمَّ سَابِقَةِ بِيَانِ فَرَمُودِ دُرَامِ سَابِقَةِ كَسِي خَلِيفَةِ حَقِّ نَبُودِهِ اِهْلِ
 اَنْجَنَابِ چَكُونِ مَصْدَاقِ اِيْنِ آيَتِي تَوَانِدُ شُدْ اَكْرُ كَسِي كُوِيْدُ كَمَا مَرَادُ
 عَلِيٍّ كَرَّمَ اللّٰهُ وَجْهَهُ نَزْدِ سَنِيَانِ خَلِيفَةِ چَارَمِ اَنْدُو اَرْخِلَفَارِ حَقِّ سِجَانَةِ تَعَالَى
 وَعَدِهِ اَزِ اَلِخَوْفِ فَرَمُودِهِ اِهْلُ وَچُونِ بَا اَنْجَنَابِ هِميشَةِ اَزِ اَنْفَوَاجِ

شام خوف و بهراس لاحق ماند خلافت آنجناب چگونه ثابت می ماند
 گویم خلافت حضرت امیر نرزدستان ثابت است زیرا که حق سبحانه و تعالی
 وعده از آن خوف از کفر نموده است و افواج شام مقابل اسلام بودند
 و جنگ و جدال فیما بین اهل اسلام واقع شده بودند و با کفار
 حضرت امیر نرزدستان مصداق آیت باخوبی می تواند شد
 لیکن نزد اهل تشیع خلافت آنجناب ثابت نمی گردد زیرا که افواج
 شام را نسبت کفری سازند ازین جهت نزد ایشان از آن خوف
 از کفر نگردد و مصداق آیت نمی تواند شد اگر کسی گوید که زمانه
 خلفا مصداق این آیت هم نمی تواند شد زیرا که از قول تبار
 وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰكِرُونَ
 معلوم می گردد که کسی خلیفه چنان خواهد بود که کفران و ناسپاسی
 این نعمت خواهد ورزید و نرزدستان کسی خلیفه کفران این
 نعمت نکرده است جواب این آیه قوی تواند بود که لفظ مَن مَرَّ بِهِ

در قوله تعالی بودی یعنی و مَنْ كَفَرَ مِنْهُمْ لَعَبَدٌ ذَٰلِكَ
 فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰسِقُونَ و این چنان وارد نشده است
 این احتمال چگونه تواند شد و مع هذا از صلاحیت و خلوص عبادت
 ایشان که خالی از ریا و شرک باشد حق سبحانه تعالی خود خبر داد که
 يَعْبُدُونَنِي کَافِرًا کُونُ بِي شِدِّيًا و دیگر آنکه حق سبحانه تعالی
 آنکسان را که وعده عطا کرده و غنائم کثیره فرموده است و وعده هدایت
 نمودن ایشان را هم ارشاد فرمود که وَيَهْدِيكُمْ صَوَابًا مِّنْ قَبْلِهَا
 وارد شده است و غنائم کثیره بعد جناب رسالت مآب صلی الله علیه
 و سلم بنحرف خلفا کسے را حاصل نشده کفران و ناسپاسی از ایشان چگونه تصویب
 خواهد شد انقض ازین آیت صاف معلوم میگردد که فساد و ناسپاسی
 از شخص غیر صادر نخواهد گردید و اگر کسی گوید که من برای بیان است
 برای تبعیض نیست و استخلاف بمعنی توطن در زمین است گویم مفاد
 من بیانیه در اینجا بغیر استخلاف بمعنی توطن مفاد من اجزیه است زیرا که

اگر زید را ده پسر بودند و بعضی از ان کسی قتل نمود میتوان گفت که
 پسران زید فلان را قتل نمود حال آنکه مرتکب فعل بعضی شدند و در صورت
 حل بین بیان و اختلاف بمعنی توطن گرفتن قید و عیال و الصداق است
 لغوی افتد زیرا که توطن در زمین چنانچه مصلح را ماحصل است
 فاسق را نیز بلکه زیاده و خوب تر بلکه قید ایمان هم محبت است زیرا که فاریا
 نیز توطن در زمین ماحصل است و کلام لغوی در قرآن محال است و قیما
 ذکر کفایه و کلام البصر هیه آیه و الهادی می هو الله تعالی
 پس التماس بعالی خدمت انصاحبان که باراده جواب نویسی قلم بردارند
 اولاً تمام و عناد را و اگر داشته و طرف داری و نفسانیت بر طرف
 داشته عدل و انصاف را از دوست ندینند تا که در زمره غیر حقون
 الکلام عن صوابی و خل نشوند چرا که کلام در معانی قرآن است
 که نزد فقیهین مدار ایمان است نه چنانکه قصد تسویه کاغذ و ابر است
 مطابق و موافق سوال افتد یا نه افتد و آخر دعوانا ان الحمد لله

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا خَيْرِ
 خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَعِزَّتِهِ وَأَسْرَ وَاجِهِ
 أَهْلِيهِ الْمُؤْمِنِينَ وَخَلْقَانِهِ أَجْمَعِينَ

قطعه تاریخ تالیف سال ۱۰۲۱ از شیخ افکار جناب شاه محمد مجتبی حسینی سلمه الله تعالی

عظیم النفع تالیف عظیم فضل کامل در اثبات خلافت این سال و جزئیات و بیرون کردن سلاطین سال الفیض	مدلل استلزامی شیخی قرآن کلام حق بیاننگار میریداری ایقان کلام حق رقمزد و مسکت منکبیر بران کلام حق
--	--

۸۹ ۱۲ هجری

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-books and **10 Paise** per volume per day for general books kept over - due.

